

با نام او

«چرا مقالات پژوهشی را به مالک‌اشتر که یک نشریه داخلی است داده اید و چرا به *ISI* نداده اید؟»

و اما موضوع ارسال مقاله را می‌توان در مراحل زیر خلاصه نمود:

۱. پژوهش و رسیدن به نتایج علمی
۲. نگارش نتایج علمی
۳. قصد نشر نتایج علمی
۴. تنظیم و طراحی چگونگی نشر نتایج علمی‌ای که قصد نشر آنها را داریم
۵. اقدام مطابق طراحی انجام شده که معمولاً شامل
 - ۵,۱. ارسال برای ناشر
 - ۵,۲. منتظر ماندن و گرفتن نظرات ناشر
 - ۵,۳. بررسی نظرات ناشر و به دست آوردن آن نظراتی که با انگیزه‌های شما در نشر مغایرت نداشته است
 - ۵,۴. پاسخ دادن به نظراتی که مغایر است و اقدام در راستای نظرات غیر مغایر
 - ۵,۵. ادامه دور بالا تا رضایت طرفین برای نشر یا انصراف از نشر
۶. در صورت انصراف، پیمودن دوباره مراحل ۴ تا آخر ولی این بار با توجه به تجربیات حاصل
۷. گرفتن بازخورهای نشری که صورت پذیرفته است
۸. اصلاح و یا بازنگری در نشر انجام شده با توجه به بازخورها
۹. عبرت‌گیری از فرآیند انجام شده برای هر چه بهتر شدن کل فرآیند
۱۰. اعمال بهبود در فرآیندهای بعدی با توجه به عبرت‌ها

در اینجا از موارد بالا فقط به خلاصه‌ای از ملاحظات مربوط به مراحل ۲، ۳ و ۴ خواهیم پرداخت که شاید بتوان اخلاق در آن مراحل نام گذاشت.

یادآور می‌شویم که نیت در اعمال اصل رکن قبولی اعمال است و چنانچه غیر از در نظر گرفتن خدا چیز دیگری دخیل گردد شرک است و عمل مورد نظر هرچند ظاهری آراسته بیاید مشرکانه است و به همین سبب موجبات تباهی عمل را در مراحل گوناگون فراهم خواهد آورد.

درباره نیت در نگاشتن نتایج علمی امیرالمؤمنین چنین آموختند، فرمودند: «علم‌تان را به بند بکشید!» پرسیدند: «چگونه؟!» فرمودند: «بنگارید!» در اینجا معلوم می‌شود نیت درست خداپسندانه در نگاشتن، محافظت از نتایج علمی از گزند فراموشی و از دست رفتن است.

در اینجا باید توجه داشت که به این ترتیب نگاشتن باید در هر چه بهتر محافظت و در بند کشیدن باشد تا هرگونه و هرگاه مراجعه به آن نوشته، ما را به تمامی جوانب آن نتایج دوباره رهنمون سازد به گونه‌ای که احساس کنیم هیچ از دست نداده‌ایم. لذاست که مخلوط کردن هر انگیزه دیگری در این نوشتن می‌تواند

باعث تباهی انگیزه و نیت اصلی و الهی گردد که باید مراقبت نمود تا چنین نشود. مثلاً اینکه کسی هنگام نوشتن همزمان ذهنش درگیر این شود که می‌خواهد نوشته‌اش حتماً مورد توجه عده‌ای قرار گیرد و یا می‌خواهد در نوشته‌اش نشان دهد که او کاری نو انجام داده است که دیگران تاکنون انجام نداده‌اند و ... همه و همه شرک است و هرگز راهی خداپسندانه طی نخواهد شد و به مقصد مورد نظر آسیب جدی وارد خواهد ساخت.

اما اگر کسی بخواهد نتایج علمی را نشر دهد، آموخته‌اند که این، زکات علمی است که خداوند ارزانی داشته است. پس دوباره باید تمام هم و غم خود را به خرج دهد تا هرگز این نیت فاسد نگردد. همانگونه که در هر انفاقی و زکات دادنی باید به قول قرآن در راه خدا باشد و لذا آدابی مترتب است که باید رعایت گردد تا این کار مورد قبول حق تعالی قرار گیرد، در نشر هم چنین است. انفاق در راه طاغوت‌های گوناگون هم هست و البته زیاد هم هست. بر ما لازم و واجب است که نشر نتایج علمی خود را از آلوده شدن به انفاق‌هایی که غیر راه خداپسندانه است، محفوظ بداریم. لذا برای این منظور باید ابتدا قصد خود از نشر را فقط و فقط انجام فریضة زکات دادن و قرب الهی قرار دهیم. دوباره تأکید می‌کنیم که این بدین معنی است که در مسیر و راه تا اینکه نشری انجام پذیرد همه انگیزه‌های دیگر را باید کنار گذاشته بگونه‌ای که نگذاریم این انگیزه را مخدوش و فاسد کنند. پس خلاصه این می‌شود که قصد نشر بر اساس قصد زکات و انفاق فی سبیل‌الله باید شکل گرفته باشد.

به این ترتیب همانگونه که همه اموال را نباید انفاق کرد بلکه باید باندازه، بجا و با روشی توحیدی باشد، همه نتایج علمی را نیز نباید نشر داد بلکه آن نیز، اندازه، جا و روش‌مندی توحیدی دارد که باید با آن آشنا شده و بکار بست. پس همواره قسمتی از نتایج علمی را حسب مورد باید برای نشر گزینش نمود و نشر متناسب را اقدام نمود. نشر، انواع گوناگون نیز دارد برخی از نشرها شفاهی است و برخی نوشتاری است.

پر واضح است که زکات‌گیرنده باید ویژگی‌هایی داشته باشد که مستحق آن گردد. زکات از طرف دارنده و صاحب‌اختیار روزی است به کسی که نیازمند واقعی آن روزی است. از طرف دیگر زکات بین مسلمین است و دادن زکات به غیر مسلمان تقریباً منتفی است. در واقع برطرف کردن نیاز کفار و یا مشرکین هرچند که نیازشان مبرم باشد توسط مسلمین، مسئله پیش‌پا افتاده‌ای نیست که بتوان از آن بسادگی گذشت. فقهاء درباره پرداخت زکات به غیر مسلمان می‌گویند: «پرداخت زکات به غیر مسلمانان در صورتی که موجب گرایش آنان به اسلام شود یا در روابط و جنگ‌های احتمالی، مسلمانان را یاری کنند، جایز است.» چگونه مسلمانی که حتی از طرح دوستی با کفار منع شده است، مجاز می‌شود تا آخرین دست‌آوردهای علمی خود را دو دستی تقدیم همان کفار کند و نیازهای علمی آنها را برطرف کند؟!!

پس دقت شود که اولاً نشری که قرار است زکات باشد، باید از ابتدا با نیت رفع مشکل و نیاز نیازمند واقعی آغاز گردد و نه خودنمایی و از این قبیل. ثانیاً باید به مستحق داده شود و او واقعاً نیازمند باشد. حالا ببینید کدامیک از این شرایط بر وضعیت انتشار مقالات ما منطبق است؟!!

در اینجا برخی به بحث بالا ایراد گرفته و می‌گویند در این مرادده مقدار کمکی که ما از آنها دریافت می‌کنیم بسیار بیشتر از کمکی است که آنها از ما دریافت می‌کنند و لذا به صرفه است و ما باید حتماً مقالات خود را

در نشریات آنها به چاپ برسانیم. اگر این اظهار نظر را بپذیریم، باید در نظر بگیریم که پس این کار ما زکات علم و انجام آن وظیفه الهی نبوده است بلکه این موضوع در راستای یک معامله‌ای با کفار شکل گرفته است. حال دو نکته حائز اهمیت می‌شود و آن اینکه وظیفه روی زمین مانده نشر علم همچنان روی زمین مانده است و باید به نحو مناسب به دانش رسید و تصور نکرد که آن مهم بانجام رسیده است. از طرف دیگر باید واریسی جدی نمود که آیا در این معامله چه در حال رخ دادن است و آیا سود واقعی عاید ما می‌شود و هزینه‌های هنگفتی که در راستای این معامله می‌پردازیم واقعاً عایدی دارد؟! یا برعکس به بهانه این معامله تمامی فعالیت‌هایی که برای زکات واقعی و نشر واقعی بین مسلمین باید صورت گیرد مورد غفلت جدی واقع شده است؟! آیا اساساً قواعد معامله با کفار رعایت شده است؟! اگر زکات نیست و معامله است پس باید قواعد معامله با کفار برقرار باشد! و آیا هست؟! آیا واقعاً اگر مسلمین در داخل کشور تقریباً در فقر تعامل علمی نیازهای واقعی خود دست و پا بزنند و دانشمندان ما به بهانه معامله با کفار، صبح تا شام با آنها در حال مرادده باشند، واقعاً معامله پایا پایی صورت پذیرفته است؟! و ما از آنها چیزی به دست می‌آوریم که حاصل این مراددهات است! آیا کسی که دغدغه داخل و مشکلات علمی داخل کشورش را آنقدر فراموش نموده و نپرداخته که کشورش به فقر رسیده، پذیرفته است که برود و اکثر مراددهات خود را با دشمنان این مردم سر کند و این مردم همچنان در فقر و فاقه بسر برند. آیا مردم چنین چیزی را از آن اعضای هیئت علمی می‌پذیرند؟! این چه جامعه علمی است که مردمش در فقر دانش فنی و داشتن فنون مختلف‌اند و او نیز بجای صرف وقت برای حل این نیازها به آن معامله با کفار مشغول باشد؟!

هرچند همگان خوب می‌دانند که داستان واقعاً این معامله نیست بلکه عموماً فقط نوعی خودنمایی و ایجاد وجهه نمودن بین دیگران برای خود است اما بگذارید به همان معامله بیشتر بپردازیم.

اولاً ما در این معامله نباید به دشمنان خدا و دشمنان قسم خورده خودمان اعتماد می‌کردیم که کردیم! موضوعات را آنها تعیین می‌کنند نه ما! گزینش را آنها انجام می‌دهند نه ما! خط اصلی را آنها می‌دهند و نه ما! خلاصه شما در این میدان معامله کجایش تعیین کننده‌اید که امیدوارید بُردی داشته باشید و نفعی برای خودتان بیاورید. یکی از ضررهای بزرگی که از همین اعتماد بی‌جا حاصل شده همین است که تصور می‌کنید آنها صادقانه نتایج علمی واقعی و بدرد بخور خود را به رایگان در اختیار شما قرار داده و نشر می‌دهند. این نتیجه‌گیری نادرست شما از اعتماد شما به آنها که خداوند بارها و بارها در قرآن‌اش گوشزد کرد که نکنید و شما گوش فرا ندادید و اعتماد نمودید، ناشی شده است. آیا اینکه آنها نتایج علمی ناب خود را منتشر می‌کنند و ما برویم آنها را در یک معامله به دست آوریم، یک ساده‌انگاری ابلهانه نیست. آیا کسانی که آنقدر حواسشان جمع است که شما را از یک سیم‌خاردار در زمان جنگ محروم می‌کنند، حالا آنقدر ناشی شده‌اند که شما در آن معامله توانسته‌اید فریبشان دهید که نتایج علمی بدرد بخور برای شما را به شما بدهند؟! زهی خیال باطل! اتفاقاً برعکس آنها توانسته‌اند از راه همین گوش نکردن شما به حرف خدا و رسولش که «آنها را دوست نگیرید!»، وارد شده و شما را خام نموده و شما را مشغول مطالبی کرده‌اند که دور خودتان بچرخید و وقت‌تان را تلف کنند. جهت نادرست نشان دادن همواره راحت‌تر از متوقف نمودن است. شما به دلیل اعتماد به آنها هم‌اکنون حتی باورتان نیست که آنها ممکن است بسیاری را در سطح دنیا سرکار گذارده و سرگرم

کرده باشند. اتفاقاً قرآن راهنمایی می‌کند که شیطان کسانی که غفلت نموده و به او اعتماد می‌کنند را سوار شده و اعمال آنها را برایشان می‌آراید تا سرگرم شوند و راه واقعی را نیابند.

این چه معامله‌ای است که ما با منت تمام از آنها و حتی دادن هزینه‌های هنگفت از مالیات مردم، در راستایی که آنها تعیین می‌کنند و بگونه‌ای که باز هم آنها تعیین می‌کنند، حرکت می‌کنیم تا آنها ما را تحویل بگیرند و مورد تفقد و تشویق آنها قرار بگیریم. آیا ما در این معامله در حال سود کردن هستیم یا در حال سرگرم شدن به هر آنچه آنان خط می‌دهند؟! اگر به چنین آسانی می‌شد به کارهای علمی بدرد بخور آنها دست یافت و به روش‌های علمی و تعاملات درست علمی آنها مسلط شد و جزوی از آن جریان علمی شد، آنقدر جاسوسی‌های علمی موجود در جهان معنی نمی‌یافت.

واقعیت این است که ایشان از طرفی ما را و بسیاری را در دنیا، سرگرم همین نشریات سطحی کرده‌اند و تعاملات علمی که زیر سایه نشر واقعی می‌تواند شکل گیرد را در جاهایی خارج از حیطه دسترسی ما در حال انجام‌اند. لایه‌های زیرین اساسی که در تعاملات علمی ایشان وجود دارد اساساً بر ما سالهاست که حرام کرده‌اند. اما ما با کمال سادگی تصور می‌کنیم که نمایه بین‌المللی می‌کنند، زهی خیال باطل!

اینها نه تنها با جهت‌دهی‌های انحرافی ما را سرگرم می‌کنند که گاهی آنقدر سوار بر گرده ما می‌شوند که حتی به این ترتیب تمامی اطلاعات ما را اعم از موضوعات مورد پژوهش و علاقه دانشمندانمان، اسامی دقیق دانشمندانمان، تعلقات آنها و محل دقیق کار و زندگی آنها را به آسانی در اختیار می‌گیرند. چقدر سادگی است که کسی نداند و توجه نکند که جنگ اصلی مدتهاست که جنگ اطلاعات است و ما باید چقدر خام شده باشیم که تمامی اطلاعات خود را با تلاش بسیار و تحمل هزینه‌های زیاد با کمال مسرت در اختیار آنها قرار می‌دهیم؟! واقعاً این چه معامله یک سویه‌ای است؟!

آنها اگر فقط همین یک موفقیت را به دست آورده باشند که ما را از ایجاد چرخه علم بدرد بخور خودمان و حل‌کننده موضوعات و مشکلات خودمان که باید در درون خودمان شکل بگیرد منصرف کرده باشند و به ورطه خودنمایی‌های خارجی و داخلی کشانده باشند، کاملاً برده‌اند.

نشانه‌های آن چرخه علمی مورد نیاز خودمان که در داخل کشور با مدیریت نیازهای خودمان باید تاکنون شکل گرفته باشد، کجاست؟! ردپای آنها در کجاست؟! آیا اساساً چنین دغدغه‌ای بین دانشگاہیان موجود است؟

می‌بینید که برعکس است و اگر کسی هم یافت می‌شود و بر اساس همین عقاید به چرخه علمی دانشگاه مالک‌اشتر رو می‌آورد و از افتادن به ورطه ناکجاآباد نشریات بین‌المللی دوری می‌کند، مورد تهاجم قرار می‌گیرد و تحقیر و توهین می‌شود و حتی رسماً از نمره‌اش فقط به همین دلیل می‌کاهند. لذا نه تنها دغدغه ساختن خود از درون و استحکام خود از درون با تکیه بر خداوند در ما مرده است بلکه اگر هم کسی چنین دغدغه‌ای را بخواهد داشته باشد، مورد هتک قرار می‌گیرد.

واقعیت این است که ما که بین‌المللی مقاله نمی‌دهیم اولاً به آنها هیچ اعتمادی نداریم و اعتماد کنندگان به آنها را حداقل جاهل می‌دانیم. ثانیاً ما که به مالک‌اشتر و امثال این روندهایی که تا حدی سعی در خودی‌تر بودن دارند، رو می‌آوریم، بدین سبب است که دغدغه تقویت خودی خود در تمامی وجوه را داریم که وظیفه ما بوده است.

در واقع مدعیان آن معامله خیالی با کفار و دشمنان قسم خورده ما و خدا، باید بدانند کسانی در چنین معامله‌ای می‌توانند امید پیروزی داشته باشند که سالهای سال در درون خود را مستحکم کرده باشند! ما می‌خواهیم چرخه تعاملات علمی را در خودمان ببندیم تا اولاً تجربه کنیم تا بزرگ شویم و ضمناً مطمئن باشیم همه وجوه‌اش بخوبی نظارت گردد و فریبی نخوریم نه در جهت‌دهی و نه در روش علمی و نه در هیچ قسمت از چرخه!

ما می‌خواهیم سطوح دسترسی گوناگون را در درون خودمان سازمان‌دهی کنیم و این مهم را تجربه کنیم. نه اینکه اعتماد به بیگانه را در خودمان عادی کنیم. ما قصد داریم از تجربه ۸ سال دفاع استفاده نموده و هرگز به سیستم‌هایی که درنده‌ای چون صدام و حزب بعث را تا دندان مسلح کرده و به جان گل‌ترین فرزندان کشورمان انداختند، اعتماد نکنیم! و البته ما تصمیم داریم اگر شما به اعتماد کردن تان به آنها ادامه دادید، به شما هم دیگر اعتماد نکنیم! ما نه به تأییدشان و نه به تکذیبشان اعتماد نداریم. ما بر اساس داشته‌های خود که از جانب خداوند هر روز ارزانی‌مان می‌شود، با دقت نظر می‌کنیم و هر آنچه مورد تأیید خدا و رسولش باشد اخذ و مابقی را دور می‌ریزیم. ما خدا و رسول خدا و قرآن داریم و هرگز اجازه نخواهیم داد تا آنها مرجع ما گردند.